

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۷
صفحات: ۹۷-۱۱۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۲۴

حوزه عمومی و شبکه های اجتماعی؛ مطالعه موردی گروه "همه ما خالد سعید هستیم"

حسن فارسی جوکار* / زهرا بیگ جانی**

چکیده

قتل خالدسعید و تولد گروه فیس بوکی «ما همه خالدسعید هستیم» در تحولات انقلابی کشورهای عربی و به ویژه مصر جایگاه ویژه‌ای دارد. این قتل، جرقه‌ای بر انفجار در حال انفجار مصر بود و گروه فیس بوکی هم نقطه عطفی در کاربرد فضای مجازی در حوزه سیاست مصر، آن هم در موضوع تحولات انقلابی. این در حالی است که رابطه سیاست و ظرفیت‌های مختلفی دارند مورد اختلاف و جدال افراد با سنین، جنسیت و علایق مختلف بوده و ظرفیت‌های مختلفی دارند مورد اختلاف و جدال صاحب‌نظران بوده است. این تحقیق با نگاه به نظریه حوزه عمومی و حوزه عمومی جایگزین به دنبال پاسخ به این سؤال است که سیاست در فضای سایبر و بویژه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک جایگزین آگورای آنتی چه جایگاهی دارد؟ در مقام پاسخ به سؤال، گروه فیس بوکی «همه ما خالدسعید هستیم» کانون توجه و مطالعه قرار گرفته و ادعا بر این است که رسانه‌های اجتماعی و به صورت مشخص شبکه اجتماعی فیس بوک فضای مناسبی برای شکل‌گیری حوزه عمومی جایگزین می‌باشد، و بستر را برای گفتگو و بحث آزاد، اشتراک‌گذاری دردها، استفاده از تجربیات، ارتقاء و تقویت افکار عمومی در جهت زمینه‌سازی اعتراضات را فراهم نموده است.

کلیدواژه‌ها

حوزه عمومی؛ شبکه های اجتماعی؛ فیس بوک؛ مصر؛ خالد سعید.

farsi20@gmail.com
big1383@gmail.com

* عضو هیات علمی جهاددانشگاهی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).
** کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

مقدمه

وقایعی که در ژانویه و فوریه ۲۰۱۱ در مصر به وقوع پیوست و ناگهان مردم با دستان خالی توانستند دیکتاتور را سرنگون کنند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۹) شگفتی همگان را بدنبال داشت و به عبارتی یک شوک بود، زیرا سرعت هماهنگی مردم، تمرکز انقلابیون بر اصلاح ساختاری به جای تمرکز بر نارضایتی های اقتصادی و اجتماعی و معنون شدن تحولات در مصر به عنوان «قیام عربی» (Brown, 2014)، بیش از آن که فراچنگ تحلیل گران مسائل منطقه ای آید، آن ها را غافلگیر و مبهوت نمود (قزوینی حائری، ۱۳۹۲: ۹). اما بررسی های طولی حاکی از آن است که فروپاشی رژیم حسنی مبارک صرفاً به دلیل مسائل سطحی و آنی نبود، بلکه ریشه عمیق و طولانی در جامعه و تاریخ سیاسی - اجتماعی مصر داشت. همان گونه که علی رغم غیرقابل قیاس بودن در بسیاری از وجوه اساسی، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه هم دهه ها بود که در نطفه زندگی می کرد (برینتون، ۱۳۸۵: ۸۷). اما گسترش عرضی و عمقی اینترنت و نرخ نفوذ آن در دنیا و از جمله مصر توانست موضوعی را آشکار نماید که قبلاً کمتر مشهود بود و آن اعلام و ابراز نظر ملت در مقابل گروهی اندک بود.

در حالی که پیرامون نقش و کارکرد رسانه های اجتماعی در بیداری اسلامی در مصر دیدگاه های متفاوت و گوناگونی مطرح می شود، در این نوشتار هدف آن است تا درک مناسب تری از حوزه عمومی و کاربردهای آن در جوامع معاصر ارائه شود.

۱. خاستگاه تحولات مصر

حرکت انقلابی مردم مصر معلول یک علت نبود و آنچه باعث شد توده مردم مصر به راه افتاده (لرنر، ۱۳۸۳: ۳۹۵)، و خواهان سرنگونی و اسقاط نظام سیاسی اقتدارگرای مصر باشند در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و فرهنگی قابل رصد و پیگیری است. مرور اجزای مختلف نظام اندک سالار (عجم اغلو، رابینسون، ۱۳۹۳: ۱۹)، مصر نشان می دهد اقتصاد مصر به معنای واقعی دچار بحران بود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۲۸)، در حالی که مردم در فقر و فلاکت به سر می بردند پایگاه اجتماعی - طبقاتی دولت را ائتلاف و اتحادی از اشراف زمین دار، ارتش، بورژوازی دولتی و بورژوازی تجاری - مالی کمپرادور یا وابسته به دولت تشکیل می دادند (حافظیان، ۱۳۸۷) و این یکی از دلایلی بود که سیاست انفتاح که از

زمان انورسادات آغاز شده بود تا بتواند رشد اقتصادی را رونق ببخشد (Africa News, 2010)، به سرنوشت خوبی نرسد.

در عرصه سیاسی، مسائل و معضلات بسیاری وجود داشت، اما همانند اغلب کشورهای عربی که انسداد سیاسی، ظلم امنیتی و اجتماعی و احساس حقارت عامل انفجار انقلاب‌های عربی بوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۸۱). نظام سیاسی مصر نیز ساختار فرمایشی و صوری از دموکراسی داشت که در پس آن، حکومت دیکتاتوری و اقتدارگرا حکمرانی می‌کرده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۴۲)، و فضای سیاسی مصر که از جمله ویژگی‌های اصلی آن تمرکز اقتدار، کنترل سیاسی و بورکراتیک شدن قدرت بود در انسداد سیاسی و خفقان بسر می‌برد (عسگرخانی و دیگران، ۱۳۹۳)، و این وضعیت برای جریان‌های اسلام‌گرا پیچیده تر بود زیرا حسنی مبارک در مقابل مخالفان اسلام‌گرا، سیاست ایجاد تفرقه و شکاف (بشیریه، ۱۳۹۴: ۸۶) را هم اعمال می‌نمود.

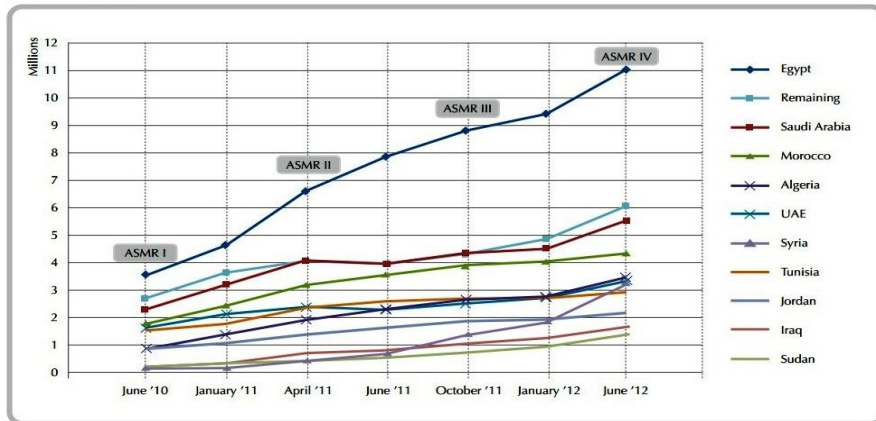
در این شرایط هرچه حکومت بیشتر و بیشتر از جامعه فاصله می‌گرفت، پیوند و ارتباط گروه های مخالف و یا حداقل قدرت تحملشان نسبت به یکدیگر بیشتر می‌شد، چون مخالف مشترک و سرسختی به نام رژیم مبارک داشتند، این موضوع در بطن خود ضعف دولت و نظام سیاسی و تقویت مخالفان حکومت را بدنبال داشت و کار به جایی رسیده بود که تفکیک و تمیز قائل شدن بین مخالفان حکومت سخت شده بود و نحوه مخالفت مخالفان هم گوناگون و شدیدتر شد.

در حالی که شرایط عینی و میدانی سیاست و اجتماع تحت سیاست های اقتدارگرایانه دولت حسنی مبارک سرکوب می‌شد و فضای امنیتی بر این کشور حاکم بود، بیشترین پیوندهای مخالفین حکومت و مشارکت‌های آن‌ها و کنش سیاسی آن‌ها در فضای مجازی و اینترنت صورت می‌پذیرفت، در این مورد وائل غنیم تأکید دارد که اگر شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود نداشت انقلاب مصر هرگز برانگیخته نمی‌شد و به وقوع نمی‌پیوست (Oh, 2013: 68). زیرا اینترنت، نظم اقتدارگرایانه عربی (از جمله اقتدارگرایی رژیم مبارک) را شکست (فندی، ۱۳۸۲)، رژیمی که همچون سایر رژیم‌های اندک سالار عربی از کسری مشروعیت (نصری، ۱۳۹۰) رنج می‌برد و یکی از معضلات اساسی آن عدم مشروعیت سیاسی بود.

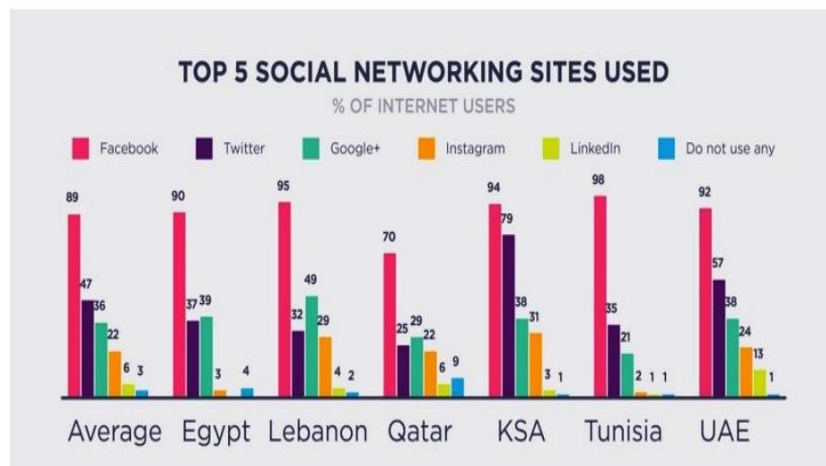
۲. فناوری اطلاعات و ارتباطات و سیاست

فناوری اطلاعات و ارتباطات، سریع، گسترده و مقرون به صرفه است، این فناوری کمک می‌کند تا اطلاعات کسب و ذخیره شوند، ICT فضای وسیعی برای ابراز عقاید و مشارکت مردم در موضوعات مختلف و از جمله مسائل سیاسی فراهم نموده است. در فرآیند ابراز نظر و مشارکت سیاسی به عنوان اجزاء مهم حوزه سیاست، موضوع دیگری خود را نشان می‌دهد که جایگاه ویژه‌ای دارد یعنی آگاهی سیاسی، موضوعی که لازمه ابراز نظر و مشارکت است، این موضوع که در گذشته از کانال‌های بسیار محدود و رسمی صورت می‌گرفت و حتی اطلاعات بصورت قطره چکانی ارائه می‌شد، امروز مشمول پیشرفت فناوری شده و ذیل فناوری اطلاعات و ارتباطات بصورت آشنایی به مردم ارائه می‌شود که البته ممکن است این روش معایبی هم داشته باشد و تصمیم‌گیری را سخت نماید، با این همه کانون ارائه اطلاعات و آگاهی سیاسی از طریق فناوری گسترده و متنوع شده و اساساً چون با روش مشارکتی انجام می‌شود و مخاطبان احساس بهتری نسبت به آن دارند از عمق بیشتری برخوردار است. در مجموع رشد فناوری، سیاست را تحت تأثیر قرار داده و استفاده از فناوری در عرصه سیاسی - اجتماعی امروز جزء لاینفک جامعه و سیاست می‌باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد فناوری اطلاعات و ارتباطات و ریز فناوری‌های مبتنی بر آن که واجد چهره ژانوسی می‌باشند در دو دهه گذشته در منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی و از جمله مصر رشد سریعی داشته‌اند و شبکه اجتماعی مانند فیس بوک محبوب‌ترین شبکه اجتماعی اینترنتی در خاورمیانه (شکل ۱ و ۲) شناخته می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۲: ۳۰۱). تا جایی که جمال ابراهیم برای تأکید بر نقش این رسانه نام دخترش را «فیس بوک» گذاشت (Khondker, 2011). در بیانی دقیق تر فیس بوک توانسته است حوزه عمومی مصر را تقویت نموده و نوعی رشد و پیشرفت سیاسی را در این کشور رقم بزند.



شکل ۱: تعداد کاربران فیس بوک در منطقه عربی بین ژوئن ۲۰۱۰ تا ژوئن ۲۰۱۲.
ده کشور برتر



شکل ۲: پنج شبکه اجتماعی برتر در کشورهای عربی

۳. تحولات حوزه عمومی و خاورمیانه

تعاریف مربوط به حوزه عمومی که نقش تعامل بین شهروندان را در روند سیاسی جامعه بر می‌شمارند به یونان باستان برمی‌گردد (Abdelmoula, 2015:86)، و طرح مفهوم حوزه عمومی از کانت آغاز می‌شود ولی این هابرماس بود که آن را مورد توجه جدی قرار داد (Abdelmoula, 2015: 85) و آن را کانون توجه قرار داد. ارزش محوری حوزه عمومی در قابلیت‌ها و

ظرفیت‌های آن نهفته است که عبارتست: از تسهیل بحث‌های آزادانه و متنوع (پایا چاریسی، ۱۳۹۳).

سال ۱۹۶۲ که هابرماس تحول ساختاری حوزه عمومی را نوشت، آغازی بود بر طرح یک حوزه جدید در تئوری‌های سیاسی، در این اثر هابرماس بدنبال آن است که بدانند تحت چه شرایطی مباحثه و گفتگو می‌تواند با ترکیب و پیوند گروه‌ها آغازگر یک کنش سیاسی باشند (Calhoun, 1992:1). زیرا حوزه عمومی اگر چه حوزه‌ای است برای گفتن و شنیدن (گل‌محمدی، ۱۳۸۲)، اما مستقیماً به اعمال قدرت مربوط می‌شود (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) و مسائل مورد بحث اغلب سیاسی هستند (AL-Saggaf, 2006).

در گذر عمر موضوع حوزه عمومی، نگاه‌های مختلفی به آن معطوف شده است، از کسانی که بدنبال طرح فئودالیزه و خان‌خانی شدن دوباره حوزه عمومی و تبلیغاتی شدن محور اصلی آن یعنی رسانه‌ها دیگر نقش و کارکردی برای آن قائل نبوده و نیستند تا کسانی که همراه با تحولات مختلف معتقدند گستره عمومی هنوز هم با ماست (داگلرن، ۱۳۸۹: ۲۱)، و سعی داشته‌اند با بازتعریف آن، حوزه عمومی را به عنوان مفهومی امروزمین در آثار علمی و تحقیقاتی و کاربردی خود مورد استفاده قرار دهند، حتی خود هابرماس هم معتقد است فناوری‌ها شکل‌گیری حوزه عمومی را ممکن می‌گرداند (هابرماس، ۱۳۹۴: ۵۷۵)، و یکی از این فناوری‌ها هم اینترنت است که به همه مشارکت‌کنندگان و کاربران، برای استفاده مشترک، فرصت برابر اعطا می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳). و برخی هم معتقدند: این شبکه می‌تواند نقش «آگورای آنتی» را برعهده بگیرد و آلینتا تورنتون در خصوص وجوه احیاء‌کننده حوزه عمومی از طریق اینترنت به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. توانایی گروه‌های ذینفع کوچک برای یافتن ارتباط؛
۲. توانایی افراد و گروه‌های کوچک برای ارائه نقطه نظرات؛
۳. دستیابی به نقطه نظرات گوناگون؛
۴. بقاء و ماندگاری اطلاعات در اینترنت
۵. ارتباط دوسویه فرستنده و گیرنده (Thornton, 1996).

با مرور بحث حوزه عمومی و نگاه‌های متفاوت به آن، می‌توان گفت: اگرچه تئوری هابرماس در تئوری‌های غربی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده، اما کاربرد این تئوری که ریشه در بورژوازی اروپایی داشته برای کاربرد در منطقه‌ای مثل خاورمیانه با چالش‌هایی مواجه است. به عنوان

مثال واژه عموم و خصوص در گفتمان غربی و عربی تعاریف مجزایی دارد (Zayani, 2008:91) و این نوع تعاریف زمانی پیچیده تر و غامض تر می شود که مسأله دین یعنی آنچه در تار و پود بافت اجتماعی منطقه تنیده شده مطرح می شود، موضوعی که هابرماس آن را مربوط به حوزه خصوصی زندگی می داند و نقشی برای آن در حوزه عمومی قائل نیست (el-nawawy, khamis, 2012:236).

همچنین این مسأله که حوزه عمومی مبتنی بر درجه ای از مدارا و همزیستی با سنتها و تفکرات مختلف است، در حالی که این حقیقتی است که در جامعه عربی به ویژه مصری سنت قدیمی سنت حاکم است و خیلی پذیرای این موضوع نیست. مرور حوزه عمومی مصر نشان می دهد حوزه عمومی و جامعه مدنی در زمان حسنی مبارک ضعیف بود، اما آن ها ناامید نبودند و عواملی وجود داشت که افراد می توانستند فضای خصوصی خود را ایجاد کنند، برخی از مردم قادر به انجام تعاملات در حوزه های سیاسی و اقتصادی بودند، اما بخش اصلی سیاست و اقتصاد در کنترل دولت بود و در عمل موقعیت های ممتاز و موفق در اختیار ارتش و بوروکراسی اداری بود و فقط حوزه سرگرمی به عنوان فرصتی برای طبقه متوسط و سایر طبقات پیشنهاد می شد (Khalil, 2012).

همانگونه که اشاره شد رسانه و بویژه رسانه های اجتماعی در شکل گیری حوزه عمومی آنلاین بسیار مهم است، زیرا در حقیقت ظرفیت های رسانه های اجتماعی به شیوه ای متقارن به گفتگوهای آزاد و نقادی دیدگاه ها کمک می کند و این در رژیم های اقتدارگرایی چون رژیم مصر با سیاست های رسانه ای خاص، نقش ویژه ای داشته است، تا جایی که وائل غنیم معتقد است: اگر رسانه های اجتماعی نبود وقوع تحولات انقلابی در مصر ممکن نبود، و مصطفی لعلالی تاکید دارد: رسانه های اجتماعی، طیف وسیع برنامه ها، گفتگوهای انتقادی و عقلانیت را که در حوزه عمومی عربی مفقود شده بودند را احیا و تشویق نمودند (lahlali, 2011:66). هیرشکاند هم معتقد است: ظهور وبلاگ نویسی که در سالهای اخیر پنج نوع آن دسته بندی و مطرح شده است (Salanova, 2012) مورد استقبال قرار گرفت و امکان پیونددهی و دسته بندی علایق مشترک را فراهم نمود و الا این موضوعات همچنان مخفی می ماند و یا حداقل این امکان وجود نداشت تا در جریان کنش های سیاسی ابراز شوند (Hirshkind, 2010).

۴. فیس‌بوک و حوزه عمومی

در این نوشتار ذیل دیدگاه هابرماس در حوزه عمومی و حوزه عمومی شبکه‌ای بنک‌لر و تأکیدش بر ظرفیت این فضا در جهت تأیید و رد ادعاهای مطروحه توسط افراد هم‌شأن (Benkler, 2006:219) گروه فیس‌بوکی «همه ما خالدسعید هستیم» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که در برخی جوامع و از جمله مصر، شهروندان قادر به خلق گروه‌های مدنی مناسب نبودند تا بتوانند در گفتگوهای منطقی و دوطرفه و چندطرفه شرکت کنند. رسانه‌های مجازی به عنوان بخشی از یک جامعه براساس مقدار توجه، جذب و مشارکت مردم می‌توانند جایگاه شایسته‌ای بدست آورند.

جهت بررسی وارزیابی رابطه فیس‌بوک و حوزه عمومی از یادداشت وائل غنیم و ۱۰۰ دیدگاهی که در رابطه با آن مطرح شد استفاده می‌شود. در بررسی یادداشت وائل غنیم مباحث ریز و جزئی و رویکرد پایین به بالا مورد تأکید می‌باشند.

در شرایطی که تنش و درگیری در مصر از اواخر ژانویه تا اوایل فوریه در جریان بود، وائل غنیم یادداشتی نوشت که در آن استعفای مبارک را اعلام کرد، این چند ساعت قبل از سخنرانی حسنی مبارک بود که اعلام کرد: مایل است در قدرت باقی بماند و آشوب‌ها را به کشورهای خارجی نسبت داد و از معترضان هم خواست تا به خانه‌هایشان برگردند. همین موضوع سبب ایجاد شرایط خاصی شد، در حالی که وائل غنیم قبل از سخنرانی مبارک و با اطلاعات دریافتی خود معتقد بود: حسنی مبارک استعفا خواهد کرد، لذا از مردم خواست صحنه مبارزه خیابانی را ترک کنند، مسأله‌ای که باعث حملاتی به وائل غنیم شد، ریشه این مسأله به آنجا برمی‌گشت که آژانس خبری الشرق الاوسط اعلام کرد وائل غنیم که یکی از افراد مرجع در صحنه اعتراضی به حکومت مصر و به ویژه در فضای مجازی و گروه «همه ما خالدسعید هستیم» بود از معترضان خواسته تا پس از سخنرانی مبارک اعتراضات خود را کنار گذارند، در حالی که حقیقت این نبود. حقیقت این بود که اولاً یادداشت غنیم قبل از سخنرانی مبارک بود و ثانیاً با این برداشت ترک مبارزه خیابانی را پیشنهاد داده بود که حسنی مبارک اعلام کناره‌گیری خواهد کرد (Ghonim, 2012:60).

به هر حال در این شرایط فشار بر او آغاز شد و این گونه مطرح شد که وائل بسیاری از یادداشت‌هایش را احساساتی و با سرعت و بدون دقت نوشته است. حتی برخی گفتند وی با حکومت مبارک همراه است. در حالی که این اتفاق شکاف بین رسانه‌های جدید و قدیم

حوزه عمومی و شبکه های اجتماعی؛ مطالعه...

را برجسته نمود، اما غنیم در مصاحبه‌ای با رسانه‌های قدیمی نظرات خود را شفاف و روشن نکرد، بلکه با خوانندگان و مخاطبان خود از طریق گروه فیس‌بوکی به صورت مستقیم سخن گفت و شکاف بین دنیای مجازی و واقعی را پر کرد. وائل غنیم (۲۰۱۱) نوشت «مصر بالاتر از همه چیز» است (شکل-۳).



شکل ۳: صفحه گروه "همه ما خالد سعید هستیم" با یادداشت وائل غنیم

وی با این موضوع بدنبال اثبات وطن‌پرستی خود بود، چیزی که اعضای گروه آن را زیر سؤال برده بودند. غنیم این حرکت خود را با یادآوری مبارزاتش برای انقلاب ادامه داد و فعالیت‌های خود برای آزادی مصر را یادآوری نمود، از شکنجه‌هایش گفت، او همچنین ادامه داد: موفقیت‌های معترضین مصری بواسطه تلاش‌های همه مصریان اتفاق افتاده نه افراد، و از همه مهمتر گفت: «صدای مردم، از صدای هر فردی قویتر است، مردم قوی‌ترند (حتی از هر رهبری) و این مردم هستند که در خیابان‌ها برای دیدگاه‌ها و عقایدشان بدون توجه به نظر وائل غنیم می‌جنگند.»

وائل، تقدم و برتری جمع بر فرد و افراد را نشان داد و تشویق کرد، حتی گفت: من را چهره انقلاب نکنید، همه مصری‌ها شریکند (Muller & Merwe, 2011)، اما او فراموش کرد یادآوری کند که گروه «ما همه خالدسعید هستیم» نیز در انقلاب مشارکت داشته است. وائل در اینجا در قالب یک حوزه عمومی مجازی شروع کرد به جهت دادن به افکار و نظرات و اعلام کرد

نظرات دیگران نیز شایسته احترام است، او در اینجا یک مدیر منطقی بود، و به عنوان طراح گروه مسؤلیت داشت تا عقاید متنوع و متکثر را تشویق کند و یک گروه ایده‌آل که شامل دیدگاه‌های مختلف باشد را تشکیل دهد، او در حالی که دیدگاه‌های خود را جلو می‌برد، اما سعی می‌نمود از دیدگاه‌های دیگران هم حمایت کند به گونه‌ای که به فضای آزاد حوزه عمومی صدمه‌ای وارد نشود.

در این قسمت از تحقیق یادداشت وائل غنیم در گروه «همه ما خالد هستیم» بررسی می‌شود: در حدود نیم ساعت بعد از انتشار یادداشت، ۳۰۳۱ نظر منتشر شد. تقریباً ۱۰۱ نظر در هر دقیقه یا ۱/۶۷ دیدگاه در هر ثانیه، این حجم عظیم نظرات اهمیت و جایگاه صفحه فیس‌بوکی را نشان می‌داد. طبق پروتکل فیس‌بوک، فیس‌بوک ۵۰ نظر آخر را نمایش می‌دهد، هر چند کاربران می‌توانند نظرات قبلی را هم رصد و بررسی کنند. البته با این میزان از نظرات، کار برای کسانی که نظر می‌دهند و می‌خواهند آن را پیگیری کنند به دلایل زیرسخت می‌شود زیرا:

- پیدا کردن فرد مشارکت کننده و اینکه ابراز نظرش کی شروع شده؛
 - یافتن پاسخ‌هایی که به نظرات داده شده؛
 - همراهی با نظراتی که همزمان با هم ابراز می‌شود؛
 - جلو و عقب شدن در پاسخ دادن به افراد قبلی و بعدی کاری پیچیده و سخت می‌شود.
- علیرغم این مشکلات، در گذشته نه در مصر و در هیچ جای دیگری چنین فرصت و امکاناتی وجود نداشته که دیدگاه‌های زیادی پیرامون یک یا چند مسأله در چنین زمانی ثبت شود، حتی سیستم سانسور دولتی هم نتواند آن را کنترل کند و نظرات رادیکال‌تر را استخراج و پیگیری نماید.

بطور کلی این شرایط چالش‌های خاص خود را دارد، اما بنکлер معتقد است: علیرغم چالش‌ها بایستی دانست که با بهره‌گیری از گسترش فناوری‌های ارتباطاتی دیجیتال، حوزه عمومی شبکه‌ای به عنوان محل مهمی برای بحث و تبادل نظر نسبت به مسائل مربوط به منافع عمومی پدیدآمده (Benkler et al, 2013) و:

- الف) در شرایطی که برای ترویج یک دیدگاه باید هزینه گزاف اختصاص یابد اما با استفاده از رسانه‌های اجتماعی این هزینه بسیار کم خواهد بود.
- ب) افراد می‌توانند جهان را از دریچه‌های متفاوتی نظاره‌گر باشند.

ج) تنوع گفتمانی به گفتگوی کاربران هم راستا آسیب خواهد زد (Bankler, 2006:234-5). بررسی گروه مذکور نشان می دهد شروع اجتماعی وائل غنیم شرایط را برای جذب مخاطبان بیشتر مهیا نمود، همچنین تمرکز گروه فیس بوکی بر وجوه و جنبه های مشترک مصریان از چالش هایی چون استفاده تبلیغاتی که بی شک نوعی مخدر سیاسی است (فریره، ۱۳۶۴: ۹۶)، حرکت در مسیر سود سیاسی فردی و مهاجرت اعضای گروه جلوگیری نمود. طبیعت غیرسیاسی گروه در ابتدا سبب شد اعضای آن در پیوند با یکدیگر بر اهداف مشترک متمرکز شوند و راحت تر ساختارهای قدرت رسمی را نادیده بگیرند (موسی خانی، منشی زاده نائین، ۱۳۸۵: ۶۳۷) و در این فضا همراهی با یکدیگر را تمرین کنند و به نوعی اعتماد و سرمایه اجتماعی که منبع کنش جمعی است (ازکیا، غفاری، ۱۳۹۰: ۳۸۵)، دست یابند و محصول تمرین همراهی را در حرکت انقلابی ۲۵ ژانویه بدست آورند. البته در بررسی گروه نکته ظریف این بود که طیف نظرات ابراز شده نشان می دهد که در شرایط زمانی مختلف دامنه نظرات کاهش نیافته، علیرغم اینکه وائل غنیم سیر صعودی مخالفت با رژیم مبارک و پیگیری حرکت انقلابی را با شدت ادامه داده است، در حالی که جو سیاسی سبک تر می شود، اعضای گروه نظرات خود را صریح تر و شفاف تر منتشر می نمایند. اما در این فضای متقارن و افقی، منطقی و چندسویه تقریباً کسی به سمت تفکر افراطی و قطبی سازی نمی رود.

۵. تحلیل و بررسی

نظرات منتخب برای تحلیل براساس فاصله زمانی انتخاب شده اند یعنی نظراتی که تقریباً یک ساعت بعد از انتشار یادداشت وائل غنیم منتشر شده اند، متوسط اندازه نظرات ۵۰ کلمه بود، هرچند طولانی ترین دیدگاه از آن کاربری با نام «خواهران» از عربستان سعودی بود با ۶۶۵ کلمه.

مرور نظرات، طیف وسیعی از موضوعات را نشان می دهد از شخص غنیم گرفته تا ارتش مصر و مداخلات خارجی.

از ۱۰۰ دیدگاه، ۳۵ دیدگاه حامی غنیم، ۲۲ دیدگاه مخالف وی، ۱۷ دیدگاه علیرغم اشاره به غنیم موافقت و مخالفت شان با وی معلوم نیست و ۲۶ دیدگاه هم اصلاً خطابشان وائل غنیم نبود.

در میان مخالفان غنیم، شهاب‌الخبری نوشته بود: هزینه کسانی که به زندگیشان آسیب وارد شده و یا در آینده ممکن است برایشان اتفاقی بیفتد به عهده وائل غنیم است. وائل تقصیر شماس است که آشوب همه جا را فراگرفته، همین الان کار را تمام کن.

دکتر ک. کمال معتقد بود: وائل شما با ذهن ما بازی می‌کنی، شما باید یک مسیر را انتخاب کنی. چپ یا راست، نمی‌توانی هر بار یک چیزی بگویی.

از میان حامیان وائل، محمد نبیل نوشته بود: وائل من از شما می‌خواهم افراد احمق را نادیده بگیری، چون آن‌ها چیزی متوجه نمی‌شوند.

این عبارات التهاب‌آفرین، اثر چندانی بر دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان نداشت و آن‌ها به بیان گسترده و منطقی نظراتشان ادامه دادند.

جالب اینکه رباب فاروق پس از سرزنش کسانی که مدعی بودند دستاوردهای بدست آمده کفایت می‌کند، معتقد بود: اگر اینقدر تنبل هستی که نمی‌توانی برای اعتراض بیرون بیایی، آن را به شجاعانی واگذار کنی که در خیابان‌ها حضور دارند و تا گرفتن حقوقشان ادامه می‌دهند. احتمالاً نظر فاروق این نبود که هرکس در فیس‌بوک است، تنبل است. بلکه بیشتر او بدنبال تشویق بیشتر به حضور خیابانی بود. هرچند این امکان وجود داشت که افراد در هر دو فضا شرکت داشته باشند، چون در طول قیام بیداری اسلامی در مصر برخی کاربران و البته نه همه در صحنه‌های میدانی اعتراضات هم شرکت داشتند. و پلی بین جهان واقعی و جهان مجازی ایجاد نموده بودند.

شواهد حاکی از آن است که در اعتراض ۲۵ ژانویه بیشتر معترضین مشارکت داشتند، چه کسانی که در رسانه‌های اجتماعی فعال بودند و چه کسانی که نبودند. اما بهر حال گروه «همه ما خالدسعید هستیم» فعال و الهام‌بخش مشارکت در جهان واقعی بودند. این گروه در کنار آموزش و تربیت کاربران، محصولات فرهنگی هم ارائه می‌نمود. غنیم اغلب تصاویری از نقاشی‌های دیواری و کارتونی در گروه ارسال می‌نمود، همچنین فیلم‌ها و آهنگ‌هایی را در یوتیوب به اشتراک می‌گذاشت، این نوع فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی به گروه کمک می‌کرد تا به جهان واقعی نزدیک شوند و تنها یک حوزه عمومی شکل گرفته توسط رسانه‌های اجتماعی نباشد بلکه یک حوزه عمومی ترکیبی/دورگه (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۵۸) ظاهر شود. در واقع یک اصل کلیدی که از حوزه عمومی حاصل می‌شود این است که تنها اشتراک‌گذاری افکار و دانسته‌ها اتفاق نمی‌افتد بلکه یک روند تحولی در ظرفیت‌ها هم که استدلال‌ها را تقویت می‌

کنند، وجود دارد (Calhoun, 1992:29)، زیرا شهروندان مجهز به رسانه‌های اجتماعی (Phokhorov, 2012:25) ضمن دستیابی به نوعی بیداری سیاسی (داد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۵) با طی نمودن فرایندی از توانمندسازی (عجم اغلو و رایینس، ۱۳۹۰: ۳۴۵) ظرفیت سیاسی آن‌ها در ارتباط با یکدیگر شکل گرفته و ارتقاء می‌یابد (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۲۸).

نتیجه‌گیری

برخی پیشرفت‌ها در حوزه‌های مختلف در مصر از جمله در حوزه فناوری در سال‌های گذشته شرایطی را بوجود آورد که یک حوزه سیاسی زیرزمینی ایجاد نمود، که هرچند پیشرفت چندانی در حوزه سیاست محسوب نمی‌شد اما برای حرکت سیاسی غیرخشونت‌آمیز ضروری بود تا نشان دهد سر برآوردن توده از سکوت، مجال ادامه یافتن شیوه سیاسی جامعه بسته گذشته را نمی‌دهد (فریره، ۱۳۶۴: ۹۵). با این همه ضرب و شتم شدید خالدسعید، مصریان را برای تغییری غیرخشونت‌آمیز به صف اول حرکت کشاند و وائل غنیم از مدیران مصری شرکت گوگل و ساکن دوبی را قادر ساخت تا در ۶ ژوئن ۲۰۱۰ یک فضای مجازی ایجاد کند که مردم با عقاید سیاسی مختلف در آن مشارکت نمایند. این گروه هرچه اوضاع مصر وخیم‌تر می‌شد، به سمت سیاسی شدن بیشتر پیش می‌رفت، و این سیاسی شدن به معنی حمایت از گروه یا جریان خاص نبود بلکه مخالفت با حکومت مستقر محور اصلی و تعیین‌کننده آن بود. در این مورد مشخص، توانایی وائل غنیم در بازاریابی سیاسی، ساختار و نظرات مطرح شده در گروه «همه ما خالدسعید هستیم.» نشان داد که طرح برخی مسائل حوزه عمومی در یک محیط شبکه‌ای که یک ساختار جایگزین برای صدای شهروندان و نقطه نظرات آن‌ها فراهم می‌کند، می‌تواند در حمایت نیروهای جدید از یک حرکت انقلابی نقش مؤثری داشته باشند.

در مجموع همانگونه که در نظرات پیرامون یادداشت وائل غنیم مشاهده شد، مهمترین مزایای حوزه عمومی مجازی که عینیت یافته و در این مقاله بررسی شده عبارتند از:

۱. غیرشخصی و گمنام بودن که نقش مؤثری در تشویق به ارائه نظر دارد؛
۲. خلق یک اجتماع مجازی که نه تنها به آموزش و تربیت می‌پردازد بلکه محصولات فرهنگی توانمندساز نیز ارائه دادند؛
۳. امکان استفاده از ابزارهای مجازی مختلف در تقویت استدلال (از جمله عکس و فیلم)؛
۴. امکان مشاهده و نظرات دیگران در یک حجم گسترده؛

۵. قابلیت تبدیل یک داستان به جریان اصلی؛
۶. احساس مشارکت در یک گفتگوی عمومی و ملی در حالی که این گفتگو در گذشته به چند نفر محدود می‌شد؛

مرور آنچه در این نوشتار مطرح شد نشان می‌دهد الزاماً همه موارد با نظرات هابرماس در حوزه عمومی تطبیق ندارد. چون در عین اینکه نظرات مختلفی ابراز و به اشتراک گذاشته می‌شد، نظرات دیگری هم مطرح می‌شد. از طرف دیگر علیرغم اینکه برخی افراد نسبت به نظرات متفاوت دیگران احترام قائل می‌شدند، اما برخی هم بودند که عقاید شخصی خود را به عنوان عقاید جهان شمول مطرح می‌کردند. همچنین کاربران کمی از امکان ایجاد پیوندهای دیگر استفاده می‌نمودند و برخی پیوندها هم تکراری و بی‌فایده بود. ضمناً راجع به نظرات کمتر بحث صورت می‌گرفت و تعداد افرادی که تلاش برای مباحثه‌های مختلف داشتند کم بود.

در یک جمله شاید بتوان گفت از لحاظ ساختاری، فیس‌بوک یکی از محل‌های مناسب در فضای مجازی است که در آن امکان اصول برابری و مستقل بودن شهروندان که مورد تأکید هابرماس می‌باشد فراهم است (جین، ۱۳۸۳). اما قاعداً بدون محدودیت و آسیب هم نیست، زیرا این شبکه علیرغم امکان توجه به آراء مختلف و قابلیت برجسته نمودن دیدگاه‌های مورد قبول جمع، اما چون مسأله ناپدید شدن و گاه ناپدید شدن شدید را هم دارد، به جای افزایش اعتماد به کاهش اعتماد کاربران می‌انجامد و در حالی که انتشار و اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها و نظرات ارزان و در دسترس است، ولی مسأله پاک نمودن نظرات توسط افرادی که نظر ارائه نموده‌اند نیز وجود دارد. این در حالی است که فرد ارائه‌دهنده دیدگاه بایستی ضمن حفظ نظر خود به دفاع از نظرات خود پرداخته و آن را بیشتر توضیح دهد و استدلال نماید، نه اینکه با پاک کردن نظر خود صحنه را ترک کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
انصاری، منصور (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*، تهران: نشر مرکز.
برینتون، کرین (۱۳۸۵). *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات زریاب.
بشیریه، حسین (۱۳۹۴). *از بحران تا فروپاشی*، تهران: نشر نگاه معاصر.

- پاچاریسی، زیزی (۱۳۹۳). **شهروند پیام است. روش های جایگزینی مشارکت مدنی، درگودلوک و دیگران، روزنامه نگاری شهروندی و دموکراسی**، تهران: انتشارات ثانیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳). **گفتگو پس از انقلاب**، ترجمه مهدی عوض پور، مصطفی اسماعیلی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۷). «مشکلات اقتصادی و چشم اندازی بی ثباتی سیاسی در مصر»، **مطالعات خاورمیانه**، سال پانزدهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان، صص ۹۵-۱۲۵.
- داد، سی. ایچ؛ اشمیت، م.گ؛ اینگلهات، رانلد؛ بوآ، کارلز؛ پای، لوشن؛ دال، رابرت؛ مور، میک و هانتینگتن، ساموئل (۱۳۸۶). **مراحل و عوامل رشد سیاسی**، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: نشر ماهی.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۹). **تلویزیون و گستره عمومی**، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۲). **انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه**، تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰). **پدیده جهانی شدن**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگه.
- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۲). **درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه**، تهران: نشر میزان.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸). **شبکه‌های علمی مجازی**، تهران: پژوهش‌کننده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عجم اغلو و رابینسن (۱۳۹۰). **ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی**، ترجمه جعفر خیرخواهان، علی سرزعی، تهران: انتشارات کویر.
- عجم اغلو، دارون و رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۳). **چرا ملت‌ها شکست می‌خورند**، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
- عسگرخانی، ابومحمد؛ قربانی، فاطمه و حلال‌خور، مهرداد (۱۳۹۳). «نقش رسانه‌های اجتماعی جدید و شبکه‌سازی در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و بحران‌های پس از آن»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال سوم، شماره ۴۰، صص ۷۹-۱۱۲.
- فریره، پائولو (۱۳۶۴). **کنش فرهنگی برای آزادی**، ترجمه احمد پیرشک، تهران: انتشارات خوارزمی.
- فندی، مأمون (۱۳۸۲). «فناوری اطلاعاتی، اعتماد و دگرگونی اجتماعی در جهان عرب»، ترجمه جهانشیر سیاه منصوری، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۹۹-۲۲۵.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۹۲). **آشنایی با کشورهای جهان اسلام، مصر**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نو.
- قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۲). **سونامی در جهان عرب**، تهران: امیرکبیر.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). **شبکه‌های خشم و امید**، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۲). «دموکراسی دیجیتال»، **راهبرد**، شماره ۲۸، تابستان، صص ۴۸۰-۴۷۱.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). **گذر جامعه سنتی؛ نوسازی خاورمیانه**، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهش‌کننده مطالعات راهبردی.
- موسی‌خانی، مرتضی و منشی‌زاده نائین، مسعود (۱۳۸۵). **مدیریت سازمان در عصر اطلاعات**، جلد دوم، قزوین: دانشگاه آزاد قزوین.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰). «تأملی نظری در ماهیت و روند تغییر در جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره دوم، شماره ۵۲، تابستان، صص ۴۶-۷.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۹۳). **بازخوانی هابرماس**، تهران: نشر چشمه.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴). **نظریه کنش ارتباطی**، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.

ب) منابع انگلیسی

- Al-saggaf, Yeslam (2006). "The Online Public Sphere In The Arab World: The War In Iraq on the Alarabiya website". **Journal Of Computer- Mediated Communication** .12
- Abdellmoula, Ezzeddine (2015). **Altazeera and Democratization**, New York: Routledge.
- Africa News (2010). **Egypt: Economists Blame 'Neo-Liberalism' for Woes**. June 18.
- Benkler, Yochai (2006). **The Wealth of Networks: How Social Production Transforms Markets and Freedom**, New Haven, Conn: Yale UP.
- Brown, Nathan J. (2014). "Constitutional Revolutions and the Public Sphere".at Lynch, Mark, **The Arab Uprisings Explained**, New York: Columbia University Press.
- Calhoun, Craig J. (1992). **Habermas and the Public Sphere**, Cambridge, MA: MIT Press.
- El-Nawawy, Mohammed & Sakhar Khamis (2011). "Political Blogging and (Re) Envisioning the Virtual Public Sphere: Muslim-Christian Discourses in Two Egyptian Blogs", **The International Journal of Press/Politics**, 16(2).
- Ghonim, Wael (2011). **Tawdih Kamil li-mawqifi al-shakhsi WA ijabah 'ala kull al-tasa'ulat**. [We Are All Khaled Said]. Http://www.facebook. Com/notes.
- Ghonim, Wael (2012). **Revolution. 2.0: The Power of the People is Greater than the People in Power**, Boston: Houghton Mifflin Harcourt.
- Hirschkind, Charles (2010). "New Media and Political Dissent in Egypt, **Revista De Dialectologia Y Tradiciones Populares**, 65(1).

- Khalil, Ashraf (2012). **Liberation Square: Inside the Egyptian Revolution and the Rebirth of Nation**, New York: st.martin s.
- Lahali, EiMustapha (2011). **Contemporary Arab Broadcast Media**, Edinburgh UP.
- Muller, Narina Bohler & Merwe, Charl vander (2011). "The Potential of Social Media to in Fluence", **Aisa Policy Brief**, No 46.
- Oh, Onook (2013). **Three Essays on the Role of Social Media in Social Crises: A Collective Sensemaking View**, A Doctoral Dissentation Submitted to the Faculty of the Braduate School of the State University of New York at Buffalo.
- Po.Khorov, sergiy (2012). **Social Media and Democrcncy**, Master thesis at Malmo University, School of Arts and Communication.
- Root, Anton, 2012, "Beyond the Soapbox: Facebook and Public Sphere in Egypt", **Cyber Orient**, Vol. 6, Iss.1.
- Salanova Reging (2013). **Social Media and Political Change: The Case of the 2011 Revelution in Tunisia and Egypt**, Barcelona: Institut catala Phokhorov (2012)
- Thornton Alinta (1996). **Does Internet Greate Democracy?** Diss: University of Technology: Sydney.
- Zayani, Mohamed (2008). "The Challenges and Limits of Universalist Concepts: Problematizing Public Opinion and a Mediated Arab Public Sphere", **Middle East Journal of Culture and Communication**, 1:71.

